

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ (قصاب بالکان)

دکتر هیبت‌الله نژندی منش*

چکیده: صدور قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت در ۲۵ مه ۱۹۹۳ و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بر اساس آن، امید به مقابله مؤثر با جنایات ارتكابی صرب‌ها در یوگسلاوی سابق را افزون ساخت. صدور کیفرخواست علیه رادوان کارادزیچ در سال ۱۹۹۵ نقطه عطفی در انجام مأموریت قضایی دادگاه محسوب می‌شد؛ زیرا متهم این کیفرخواست به لحاظ وسعت و شدت جنایات ارتكابی، به قصاب بالکان شهرت یافته بود. پس از صدور کیفرخواست، قصاب بالکان حدود سیزده سال متواری بود و به تدریج امید به دستگیری و محاکمه وی به یأس می‌گرایید. دستگیری کارادزیچ در سال ۲۰۰۸ و محاکمه وی توسط دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق نشان داد که برای گریز از جنگال عدالت نیز ممکن است نقطه پایانی قابل تصور باشد. دقت دادگاه یوگسلاوی در رعایت موازین دادرسی منصفانه در محاکمه کارادزیچ، مبین تلاش دادگاه در عدم تأثیرپذیری از القات رسانه‌ها و فشار افکار عمومی در اجرای عدالت کیفری است.

کلیدواژه‌ها: دادگاه کیفری یوگسلاوی، رادوان کارادزیچ، قصاب بالکان، شورای امنیت، جنایات بین‌المللی، بی‌کیفری، عدالت کیفری بین‌المللی

۱- مقدمه

حقوق بین‌الملل، که روزگاری صرفاً بر روابط میان کشورها حاکمیت داشت، امروزه بر رفتار کشورها و حتی سازمان‌های بین‌المللی با افراد انسانی تحت قلمرو و یا کنترل خود نیز حکومت می‌نماید. در این میان پیدایش گرایش جدید از حقوق بین‌الملل با نام «حقوق بین‌الملل کیفری» بالاترین مقام حکومتی را نیز مورد بازخواست قرار می‌دهد. این تحولات را باید در راستای حمایت از فرد انسانی - که غایت هر قاعده حقوقی است - به فال نیک گرفت. جنگ‌های قومی صورت گرفته در حوزه بالکان در دهه ۱۹۹۰، اگر چه بستر بروز وحشیانه‌ترین اقدامات انسان در طول تاریخ بود، اما به نوبه خود توانست در آن واحد دربردانده «امید» و «هشدار» باشد: «امید» به افراد انسانی و «هشدار» به حاکمیت‌ها. به عبارت ساده‌تر، تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق - که زین پس از آن به دادگاه یوگسلاوی یاد می‌کنیم - باعث شد تا آمران، طراحان و مرتکبان موارد نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تحت تعقیب قرار گیرند و محاکمه شوند. همین محاکمات - حتی اگر چندان هم واقعی نباشد - توانست زنگ خطری برای حاکمانی باشد که به زغم ساده‌انگارانه خویش در پس پرده‌ای به نام «مصونیت کیفری مقامات دولتی» پناه گرفته‌اند. بررسی پرونده رادوان کارادزیچ، معروف به قصاب بالکان، تا حد زیادی ما را با افق‌های فرا روی حقوق بین‌الملل کیفری آشنا می‌سازد. از این رو، نگاهی گذرا به درگیری‌های دهه ۱۹۹۰ در حوزه بالکان (۲)، آشنایی با آقای کارادزیچ (۳)، اتهامات مشار الیه (۴)، همچنین همکاری یا عدم همکاری کشورها با دادگاه یوگسلاوی (۵) و بررسی مسأله مصونیت مقامات (۶) می‌تواند ما در فهم بهتر موضوع و رسیدن به یک نتیجه‌گیری (۷) کمک نماید.

۲- نگاهی گذرا به درگیری‌های قومی در حوزه بالکان در دهه ۱۹۹۰

اگر چه ریشه تاریخی درگیری‌های قومی در حوزه بالکان را باید در سال‌هایی دورتر از ۱۹۸۰ جست^۱، اما بدون تردید مسائل ناشی از قانون اساسی و مسائل اقتصادی، یوگسلاوی را بعد از مرگ تیتو در سال ۱۹۸۰ به ستوه آورده بود. به تدریج، ساختار اساسی - که او دایر کرده بود و بر اساس آن توانست قدرت فدرال را در مقابل اختیارات شش جمهوری

۱. در این مورد به طور کلی بنگرید به:

Arthur J. May, *The Habsburg Monarchy 1867-1914*, (New York: W.W. Norton & Co., 1968); George H. Rupp, *A Wavering Friendship: Russia and Austria 1876-1878* (Cambridge, Harvard University Press, 1941); Mihailo D. Stojanovic, *The Great Powers and the Balkans, 1875-1878* (New York: Cambridge University Press, 1939); William L. Langer, *European Alliances & Alignments 1871-1890*, Second Edition (New York, Vintage Books, 1950) and also see A.J.P. Taylor, *The Struggle for mastery in Europe 1848-1918* (New York, Oxford University Press, 1971).

تشکیل دهنده این کشور متوازن نماید و نظام سهمیه‌ای را در میان ملیت‌ها در مناصب استخدامی فدرالی حفظ کند - با تورم وحشتناکی که ملت‌های جهان سوم بر اساس برنامه «بازسازی» صندوق بین‌المللی پول می‌توانستند تجربه کنند، روبه‌رو شد.

در اسلوونی، در انتخاباتی که در سال ۱۹۹۰ برگزار شد مخالفان اقتصادی حکومت یوگسلاوی به میدان آمدند. ائتلاف ضد کمونیست و هوادار استقلال، به رهبری میلان کوچان،^۲ در انتخابات چندحزبی ماه آوریل برنده شد. در ماه ژوئیه ۱۹۹۰، پارلمان اسلوونی «حاکمیت تام» این جمهوری را اعلام کرد. در ۶ دسامبر، پارلمان اسلوونی به برگزاری یک همه‌پرسی در مورد استقلال رأی داد و در ۲۳ دسامبر در این همه‌پرسی ۸۸/۵ درصد رأی‌دهندگان خواهان استقلال ظرف شش ماه بودند. کرواسی نیز به تبعیت از روش اسلوونی نخستین انتخابات چندحزبی خود را در اواخر آوریل و اوایل مه ۱۹۹۰ و همه‌پرسی راجع به استقلال را در ماه مه ۱۹۹۱ برگزار کرد و در ژوئن ۱۹۹۱ اعلامیه استقلال خود را صادر کرد. نتیجه انتخابات این بود که فرانکو توجمان، ملی‌گرای افراطی - بدون کسب اکثریت - به ریاست جمهوری کرواسی انتخاب شود. توجمان در رویه‌های استخدامی دولتی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضد صرب را شروع کرد. در عین حال، صربستان نیز نخستین انتخابات چندحزبی خود را برگزار کرد. اسلوبودان میلوسویچ^۳ با استفاده از خودمختاری «کوزوو» و «وجودینا»^۴ و مسائل ضد مسلمانان، ووک دراسکویچ^۵ را شکست داد.^۶

سپس با اعلامیه‌های استقلال اسلوونی و کرواسی در بهار ۱۹۹۱، وضعیت آشفته یوگسلاوی بحرانی و طوفانی‌تر می‌شد. صرب‌ها خودمختاری و استقلال کوزوو و وجودینا را که قبلاً برای آن‌ها به رسمیت شناخته بودند، الغا کردند. در نتیجه، مردمان کوزوو برای استقلال کامل مبارزه می‌کردند. ملی‌گرایان در صربستان با سیاست‌های طرفدار تیتو اعلام مخالفت نمودند. آن‌ها بر این باور بودند که تیتو به صرب‌ها توهین کرده و آن‌ها را تحقیر نموده است و ملیتی که آن‌ها در سال ۱۹۱۸ به یوگسلاوی نخست به نام کمونیسم غیرملی‌گرا داده بودند، از آن‌ها ربوده است.^۷

جنگ‌های نخست فروپاشی یوگسلاوی - یعنی جنگ‌های اسلوونی و کرواسی - این

2. Milan Kucan

3. Slobodan Milosevic

4. Kosovo and Vojvodina

5. Vuk Draskovic

6. Susan Woodward, *Balkan Tragedy: Chaos and Dissolution after the Cold War* (Washington: The Brookings Institution, 1995), pp. 119, 132, 138.

7. *Ibid.*, p. 71.

استقرار قدرت از طریق نظامی را منعکس می‌نمود. بین اواسط ژوئن ۱۹۹۱ تا اواسط ژانویه ۱۹۹۲، حکومت فدرال یوگسلاوی تمام نشانه‌های حیات را از دست داد و حکومت‌های اسلوونی، کرواسی و صربستان در میان خطوط قومی به طور انحصاری شکل می‌گرفتند. دولت چندقومی یوگسلاوی، که نوع بسیار ریزی از امپراتوری اتریش-مجارستان بود هر چند در برخورد با گروه‌های قومی برتر از آن بود، اما در حال از هم فروپاشیدن بود. مداخله خارجی در این فروپاشی نقش حساسی ایفا می‌کرد.^۹

هنگامی که اسلوونی در ۲۵ ژوئن اعلامیه استقلال صادر کرد، به عنوان یک ملت مستقل، به این سمت حرکت کرد تا پست‌های مرزی یوگسلاوی با اتریش را تسخیر نماید. با انجام این کار، سبب واکنشی از طرف حکومت فدرال در بلغراد شد و لذا آن حکومت، سپاهیان یوگسلاوی را برای بازپس‌گیری این پست‌ها به سوی محل مورد نظر اعزام نمود. اسلاوها قدرتمندانه یازده روز با مداخله اروپاییان به مبارزه برخاستند و در ۸ ژوئیه با حکومت یوگسلاوی به سازش رسیدند و توافق نمودند تا اجرای استقلال را برای سه ماه به تأخیر بیندازند و پست‌های مرزی را «به نمایندگی از مقامات فدرال» کنترل نمایند.^۹

در کرواسی وضعیت پیچیده‌تر و بغرنج‌تر بود. تعدادی از روستاهای صرب در درون مرزهای کرواسی وجود داشت. از سال ۱۹۹۰، صرب‌ها در این نواحی با فرامین و احکام توجمان مخالفت می‌کردند.^{۱۰} مبارزه بین پلیس کرواسی و صرب‌ها منجر به تشکیل گروه‌های شبه نظامی محلی، به ویژه در منطقه کنین^{۱۱} شد. هنگامی که کرواسی اعلام استقلال نمود، این دسته از صرب‌ها نیز استقلال خود را از کرواسی اعلام کردند. در خلال ماه ژوئیه، بعد از سازش با اسلاوی، ارتش - بر مبنای بی‌طرفی در یوگسلاوی - دوباره تقویت شد. شمار زیادی از افسران سطح متوسط استعفا کردند. در این زمان باور می‌شد که ارتش تحت سلطه صرب‌ها بود و عمدتاً به جای اینکه یک نهاد برای دولت یوگسلاوی باشد به ابزاری برای حکومت پیشین اسلویدان می‌لوسویچ تبدیل شد؛ اگر چه آن یک روند تدریجی بود و بسیاری از افسران در مقرهای تحت حفاظت گارد ملی کرواسی به دام افتادند.^{۱۲} به این ترتیب در حوزه بالکان آتش جنگی برافروخته شد که در آن اشیاء - ام‌از

۸. هیبت‌الله نژندی‌منش، «حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه: با تأکید بر قضیه یوگسلاوی سابق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، بخش دوم.

9. *The New York Times*, July 8, 1991, p. A1.

10. Woodward, *op. cit.*, p. 120; Laura Silber and Allan Little, *The Death of Yugoslavia* (London: Penguin Books, 1995), Chapter 7.

11. Knin

12. *The New York Times*, July 16, p. A11.

نفیس و غیرنفیس - و انسان‌ها - اعم از زن و مرد، و کودک و پیر - سوختند. به دنبال این وقایع، جامعه بین‌المللی عزم خود را برای واکنش نشان داد. مهم‌ترین واکنش حقوقی به این وضعیت، تشکیل دادگاه یوگسلاوی بر طبق قطعنامه شورای امنیت بود.

۳- دادگاه یوگسلاوی: تلاش برای تفسیر و تحکیم حقوق بین‌الملل کیفری

به دنبال درگیری‌های وحشتناک در حوزه بالکان، گزارش‌های متعددی از این منطقه در مورد نقض گسترده حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بنیادین بشر همراه با تبلیغات سازمان‌یافته پاکسازی قومی منتشر شد. کشتارهای جمعی و اخراج افراد، تجاوز به عنف سازمان‌یافته و شکنجه، حبس غیرنظامیان و تعرض به جمعیت غیرمبارز، تخریب شهرها و اموال فرهنگی تخریب‌هایی قلمداد می‌شدند که سیاست پاکسازی قومی از رهگذر آن‌ها صورت می‌گرفت. در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۷۶۴^{۱۳} به طرفین مخاصمه یادآور شد که آن‌ها ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به ویژه کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ هستند و اشخاصی که مرتکب موارد نقض شدید این کنوانسیون‌ها می‌شوند یا ارتکاب این موارد نقض را دستور می‌دهند شخصا مسؤول می‌باشند.^{۱۴} افزون بر آن، در ۱۳ اوت ۱۹۹۲ شورای امنیت در قطعنامه ۷۷۱^{۱۵} خود اصل مسؤولیت کیفری را دوباره مورد تأیید قرار داد،^{۱۶} خواستار توقف هرگونه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شد، از جمله مواردی که به شکل رویه پاکسازی قومی تحقق می‌یافت^{۱۷} و به موجب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تصمیم‌گرفت که عدم اجرای این درخواست منجر به اقدامات بیشتری می‌شود که به موجب منشور ملل متحد اتخاذ خواهند شد.^{۱۸}

پذیرش قطعنامه ۷۸۰ توسط شورای امنیت در ۶ اکتبر ۱۹۹۲^{۱۹}، و درخواست از دبیرکل برای تشکیل کمیسیون بی‌طرفی از کارشناسان برای گردآوری ادله موارد نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و دیگر موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه^{۲۰} گام مهمی در جهت تأسیس یک دادگاه بین‌المللی به عنوان «اقدام بیشتر»^{۲۱} تلقی شد. نخستین گزارش

13. SC Res. 764, 13 July 1992, S/RES/764.

14. para. 10.

15. SC Res. 771, 13 August 1992, S/RES/771.

16. para. 1.

17. para. 3.

18. para. 7.

19. SC Res. 780, 6 October 1992, S/RES 780.

20. para. 2.

۲۱. شورای امنیت در قطعنامه ۷۷۱ خود از طرفین خواسته بود تا به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه پایان

موقت کمیسیون کارشناسان در ۹ فوریه ۱۹۹۳ به این نتیجه رسید که تأسیس یک دادگاه بین‌المللی اختصاصی در رابطه با وقایع ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق «با مسیر کار این کمیسیون همخوانی و سازگاری دارد».^{۲۲} متعاقباً گروهی متشکل از سه گزارشگر منصوب کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا و همچنین کمیسیون‌های حقوقدانانی از فرانسه و آلمان به تشکیل چنین دادگاهی و تدوین اساسنامه آن کمک نمودند. سپس دبیرکل سازمان ملل متحد در تهیه گزارش خود برای شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق قطعنامه ۸۰۸ (۲۲ فوریه ۱۹۹۳)، از این پیش‌نویس‌ها استفاده کرد. در این قطعنامه کلیت تأسیس یک دادگاه بین‌المللی برای تعقیب اشخاص مسؤول موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قلمرو یوگسلاوی سابق از ۱۹۹۱ مورد توافق قرار گرفت. شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمن تصمیم‌گیری به موجب ماده ۳۹ منشور ملل متحد مبنی بر اینکه وضعیت در یوگسلاوی سابق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به معنای مد نظر فصل هفتم منشور محسوب می‌شود، نسبت به تشکیل یک دادگاه بین‌المللی به عنوان اقدامی کارآمد برای جلوگیری از ارتكاب جنایات، محاکمه افراد مسؤول، و کمک به استقرار و حفظ صلح تصمیم‌گیری کرد. گزارش دبیرکل که طبق قطعنامه ۸۰۸ تدوین شد مسائل حقوقی متعددی را در رابطه با تشکیل یک دادگاه بین‌المللی خاص (ad hoc) مورد بحث قرار می‌داد و پیش‌نویس یک اساسنامه را تدارک دیده بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد، بر اساس فصل هفتم منشور، در قطعنامه ۸۲۷ (۲۵ مه ۱۹۹۳)^{۲۳} با اتفاق آراء گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق را که پیوست آن بود، بدون اینکه تغییری در آن بدهد، به تصویب رسانید.^{۲۴} از نظر شورای امنیت تأسیس این دادگاه «به تضمین اینکه چنین نقض‌هایی متوقف و به طور مؤثر سرکوب شوند، کمک می‌کند».^{۲۵}

به طور کلی، تا به امروز، دادگاه رسیدگی علیه ۱۲۰ نفر از مجموع ۱۶۱ نفر متهمی را که کیفرخواست علیه‌شان صادر شده، تکمیل کرده‌است. گاهی رسیدگی‌ها به طور هم‌زمان

دهند در غیر این صورت، «اقدامات بیشتری» به موجب منشور ملل متحد اتخاذ خواهد شد (بند ۷ قطعنامه ۷۷۱).

22. Interim Report of the Commission of Experts Established Pursuant to Security Council Resolution 780 (1992), UN Doc. S/25274, at 20, para. 74 (Feb. 10, 1993).

23. S/25704, 3 May 1993.

24. John R.W.D. Jones, *the Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and Rwanda*, Second Edition, Transnational Publishers, 2000, p. 40.

۲۵. در خصوص تشکیل هدف شورای امنیت از دادگاه یوگسلاوی به طور کلی بنگرید به:

S. Trifunovska (ed.), *Yugoslavia Through Documents: From its Creation to its Dissolution*, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague, 1994; D. Bethlehem M. Weller, *The Yugoslavia Crisis in International Law: General Issues*, Part I, Vol. 5, Cambridge International Documents Series, Grotius / Cambridge University Press, 1997.

در سه شعبه بدوی به هشت محاکمه می‌رسد. شعبه تجدیدنظر نیز به کار خود سرعت بخشیده است.^{۲۶} بر اساس راهبرد تکمیل کار دادگاه،^{۲۷} که شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۰۳ خود در ۲۸ اوت ۲۰۰۳ و قطعنامه ۱۵۳۴ (در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۴) تأیید کرد، مرحله تحقیقاتی کار دادستان در پایان سال ۲۰۰۴ کامل شد و متعاقباً کیفرخواست جدیدی صادر نشد. به عنوان بخشی از این راهبرد، همچنین شورای امنیت ملل متحد در قطعنامه ۱۵۳۴ (مورخ ۲۶ مارس ۲۰۰۴) به دادگاه اجازه داد تا پرونده‌های مربوط به متهمان رده‌پایین یا میانه را به دادگاه صالح ملی ارجاع دهد. ماده ۱۱ مکرر آیین دادرسی دادگاه مقرر می‌دارد بعد از آنکه کیفرخواستی تأیید شد اما قبل از شروع محاکمه، کرسی ارجاع^{۲۸} که رئیس دادگاه آن را منصوب کرده و مرکب از سه قاضی دائمی است می‌تواند، بعد از استماع طرف‌ها، تصمیم بگیرد که پرونده باید به مقامات کشوری ارجاع داده شود که در آن این جرایم ارتکاب یافته‌اند، یا در آن متهم دستگیر شده یا دارای صلاحیت و تمایل و آمادگی عینی برای پذیرش چنین پرونده‌ای را دارد. دستور به ارجاع چنین متهمی می‌تواند توسط شعبه بدوی راسا یا به درخواست دادستان باشد. کرسی ارجاع در هنگام تصمیم‌گیری در خصوص ارجاع یک پرونده باید، بر طبق قطعنامه ۱۵۳۴، به شدت جرایم اتهامی و رتبه و میزان مسئولیت متهم توجه داشته باشد.

شعبه ویژه جنایات جنگی در دادگاه بوسنی و هرزگوین^{۲۹} و همچنین واحد جنایات جنگی در دادستانی بوسنی و هرزگوین در مارس ۲۰۰۵ تأسیس و افتتاح شد. این موضوع یک گام مهم در جهت تحکیم حاکمیت قانون در این کشور محسوب می‌شود.^{۳۰} نخستین کیفرخواست‌های راجع به جنایات جنگی توسط دادستان‌های ملی مطرح شدند و سه پرونده مربوط به ماده ۱۱ مکرر آیین دادرسی از دادگاه یوگسلاوی به دادگاه‌های ملی منتقل شدند.^{۳۱} ارزیابی‌هایی که توسط خود مقامات دادگاه صورت گرفته حاکی از آن است که همه محاکمات جز چهار مورد در سال ۲۰۱۰ و ۳ محاکمه در اوایل ۲۰۱۱ و محاکمه نهایی، یعنی محاکمه کارادزیچ، در اوایل ۲۰۱۲ پایان خواهد پذیرفت. کار شعب تجدیدنظر

26. Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, A/64/205-S/2009/394, 31 July 2009, para. 3.

27. Completion Strategy

28. Referral Bench

29. The Special War Crimes Chamber of the State Court of Bosnia and Herzegovina

30. Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, 17 August 2005, A/60/267-S/2005/532, para. 193.

31. Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, 21 August 2006, A/61/271-S/2006/666, para. 83.

نیز تا اواسط ۲۰۱۳ به پایان خواهد رسید.^{۳۲}

۴- کارادزیچ که بود؟

رادوان کارادزیچ (Radovan Karadzic) در ۱۹ ژوئن ۱۹۴۵ در مونت‌نگرو به دنیا آمد. وی از اعضای مؤسس حزب دموکراتیک صرب (SDS)، رئیس حزب مزبور تا زمان استعفای خود در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶؛ رئیس شورای امنیت ملی جمهوری به اصطلاح صرب بوسنی و هرزگوین - که بعداً به جمهوری صربسکا تغییر نام داد - رئیس شورای سه نفره جمهوری صربسکا از زمان تأسیسش در ۱۲ مه ۱۹۹۲ تا ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ و بعد از آن تنها رئیس‌جمهور صربسکا و فرمانده عالی نیروهای مسلح آن بود.

همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، وی به اتهام نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی از سوی دادستان دادگاه یوگسلاوی تحت تعقیب قرار گرفت. کیفرخواست اولیه در مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۵ علیه وی صادر شد. این کیفرخواست در چند مورد اصلاح شد که آخرین آن‌ها در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹ بود. خبر دستگیری وی در ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۸ توسط مقامات صربستان اعلام شد. در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸ به دادگاه یوگسلاوی منتقل شد. در روز ۳۱ ژوئیه همان سال نزد دادگاه حاضر شد. از دادگاه ۳۰ روز فرصت خواست. در ۲۹ اوت ۲۰۰۸ حاضر به پذیرش اتهام نشد.

محاکمه وی در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹ شروع شد. متهم در جلسه دادگاه حاضر نشد به این دلیل که به وی وقت کافی برای آماده کردن دفاعیاتش داده نشده است. در ۲۷ اکتبر و ۲ نوامبر ۲۰۰۹ دادستان اظهارات خود را ارائه کرد، هر چند مجدداً کارادزیچ در رسیدگی‌ها حضور نیافت. متعاقباً، در سوم نوامبر ۲۰۰۹ یک رسیدگی غیرقضایی (یا اداری) برای بحث در مورد این مسأله تشکیل شد. در ۵ نوامبر ۲۰۰۹، شعبه تصمیمی را صادر کرد که بر اساس آن متهم «به طور اساسی و جدی مانع از اجرای محاکمه مناسب و سریع خود شد»، بنابراین معیار تعیین وکیل برای وی از سوی شعبه تجدیدنظر پیش‌بینی شد. از این‌رو، شعبه به مدیر دفتر دستور داد تا به منظور حفاظت از منافع متهم در محاکمه، یک وکیل تعیین شود و دستور داد که محاکمه وی روز دوشنبه اول مارس ۲۰۱۰ شروع شود. با وجود این، شعبه در ادامه بیان داشت که کارادزیچ خودش می‌تواند در محاکمه حضور یابد و از خودش دفاع نماید، اما «اگر متهم کماکان مانع از سرگیری محاکمه شود یا اگر به اقدام دیگری مبادرت ورزد که مانع از انجام محاکمه مناسب و سریع شود، وی این حق خود را

از دست خواهد داد، و دیگر مستحق مساعدت وکیل تسخیری خود نخواهد بود و وکیل انتصابی به عنوان یک وکیل تسخیری از او دفاع خواهد کرد».

۵- اتهامات کارادزیچ

اتهامات کارادزیچ نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بود. به علاوه بخش عمده‌ای از مسؤولیت کیفری متهم به خاطر مشارکت در «فعالیت کیفری مشترک» است. در ادامه به بررسی این اتهامات در پرتو رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی پرداخته می‌شود.

۵-۱. نسل‌زدایی

کارادزیچ همراه با افراد دیگری، نسل‌زدایی علیه بخشی از مسلمانان بوسنی و یا گروه‌های ملی، قومی و یا مذهبی کروات بوسنی را با این وصف مرتکب شد. همچنین وی نسل‌زدایی را برنامه‌ریزی کرده و بدان تحریک و دستور داده و یا در آن معاونت یا مشارکت نموده است. وی در یک فعالیت کیفری مشترک (JCE) به منظور اخراج دائمی مسلمانان و کروات‌های بوسنی از سرزمین‌های بوسنی و هرزه‌گوین مشارکت داشت. از نظر آن‌ها این سرزمین متعلق به صرب‌های بوسنی بود.

بر اساس ماده ۴ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جنایت نسل‌زدایی را دارد. بنا بر بند ۲ ماده مزبور:

«۲- نسل‌زدایی عبارت است از هر کدام از اعمال زیر که به قصد از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به دلیل وجود این ویژگی‌ها در گروه مورد نظر صورت گیرد:

الف) کشتن اعضای گروه؛

ب) وارد آوردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه؛

ج) تحمیل حساب شده شرایط نامساعد زندگی به گروه با انتظار آنکه موجب نابودی فیزیکی تمام یا بخشی از آن شود؛

د) تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زاد و ولد در میان اعضای گروه؛ و

ه) انتقال دادن اجباری اطفال متعلق به یک گروه به گروه دیگر.

۳- اعمال زیر قابل مجازات خواهد بود:

الف) نسل‌زدایی؛

ب) تبانی برای ارتکاب نسل‌زدایی؛

ج) تهییج و تشویق مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌زدایی؛

د) شروع به ارتکاب نسل‌زدایی؛

ه) مشارکت و همکاری در نسل‌زدایی».

کنوانسیون نسل‌زدایی (۱۹۴۸) از چهار گروه تحت حمایت نام می‌برد. این گروه‌ها به تصریح ماده ۲ عبارتند از: گروه‌های ملی، قومی، نژادی یا مذهبی. از نظر دادگاه یوگسلاوی، در جنایت نسل‌زدایی، مجنی‌علیه گروه است نه فرد؛ اگر چه نابودی گروه از طریق کشتن افراد عضو گروه و یا آسیب رسانیدن به آن‌ها محقق می‌شود.^{۳۳} در صورتی که مرتکب صرفاً به منظور نابودی چند شخص و نه یک گروه اقدام به قتل آنان نماید، وی را نمی‌توان به ارتکاب نسل‌زدایی محکوم کرد،^{۳۴} علی‌رغم اینکه انتخاب قربانیان بر مبنای تعلق آنان به نژاد، مذهب، ملیت یا قومیت خاصی باشد؛ این مورد را می‌توان تحت عنوان «جنایت آزار و اذیت» مورد رسیدگی قرار داد.^{۳۵} بنابراین، در اینجا آنچه که در تصمیمات دادگاه یوگسلاوی برای ما تفسیر و تبیین می‌شود، این است که جنایت نسل‌زدایی زمانی محقق می‌شود که مرتکب، قصد نابودی تمام یا بخشی از خود گروه را داشته باشد. حال در پرونده کارادزیچ دادگاه باید به دنبال احراز چنین قصدی باشد، که خود امری بسیار دشوار است. شعب بدوی و تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی شواهد و امارات زیر را به عنوان دلیل وجود قصد نابودی گروه مورد هدف از سوی متهم بیان کرده‌اند:

۱- زمینه کلی وقوع جنایات؛

۲- ارتکاب اعمال مجرمانه دیگری که به صورت سازمان یافته علیه همان گروه اعمال

می‌شود؛

۳- میزان جنایات روی داده؛

۴- هدف قراردادن سازمان یافته قربانیان به دلیل عضویت آن‌ها در گروه خاص؛ و

۵- تکرار اعمال نابود کننده و تبعیض آمیز.^{۳۶}

۲-۵. مشارکت در فعالیت مشترک کیفری

وی در یک فعالیت مشترک کیفری به منظور امحای مسلمانان بوسنی در صرب‌نیتسا با کشتن مردان و پسران صرب‌نیتسا و اخراج اجباری زنان، کودکان و پیرمردان از صرب‌نیتسا مشارکت داشت.

در حقوق کیفری، طرح کیفری مشترک عبارت است از «توافق دو یا چند نفر که قصد

33. Sikirica Trial Judgement, para. 65.

34. برای نظر مقابل بنگرید به: The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T.

35. Jelasic Trial Judgement, para. 67.

36. Jelasic Trial Judgement, para. 73 and Jelasic Appeal Judgement, para. 47.

ارتکاب جنایتی را دارند و برای ارتکاب آن با هم تباری کرده‌اند.^{۳۷} از نظر دادگاه یوگسلاوی «وقتی یکی از افراد دست‌اندرکار طرح مشترک هدفش ارتکاب جنایتی باشد، آن‌ها را می‌توان به مشارکت در یک طرح کیفری مشترک در رابطه با آن جنایت محکوم کرد».^{۳۸} بنا بر رویه دادگاه، بند ۱ ماده ۷ اساسنامه^{۳۹} دربردارنده مبنایی برای متهم کردن افراد به ارتکاب جنایات مندرج در اساسنامه است در صورتی که چند نفر که دارای یک هدف مشترک هستند اقدام کیفری را شروع کنند که بعداً یا مشترکاً یا به وسیله برخی از اعضای این تجمع افراد انجام شود. این شکل از مسؤولیت به موجب بند ۱ ماده ۷ اساسنامه را «طرح کیفری مشترک» می‌نامند.^{۴۰} بنابراین، طرح کیفری مشترک زمانی وجود دارد که دو یا چند نفر در یک تلاش کیفری مشترک مشارکت نمایند. همچنین «در درون یک طرح کیفری مشترک دیگر طرح‌های فرعی کیفری می‌تواند وجود داشته باشد».^{۴۱}

۳-۵. جنایت علیه بشریت: (آزار و اذیت، نابودسازی، قتل عمد، اخراج، اقدامات غیرانسانی)

بر اساس کیفرخواست، کارادزیچ به همراه با دیگر افراد مرتکب آزار و اذیت به دلایل سیاسی و یا مذهبی علیه مسلمانان بوسنی و یا کروات‌های بوسنی و همچنین برنامه‌ریزی، تحریک و دستور و یا معاونت در این جنایت شدند. وی به خاطر نابودسازی و قتل عمد که بخشی از امحای دائمی مسلمانان بوسنی و کروات‌های بوسنیایی از سرزمین مورد ادعای صرب‌های بوسنی دارای مسؤولیت است. این اقدامات بین مارس ۱۹۹۲ و ۳۰ نوامبر ۱۹۹۵ به وسیله اعضای نیروهای صرب و ارکان دولتی و سیاسی صرب بوسنیایی انجام شدند. از آنجا که عنوان «جنایت علیه بشریت» به مثابه ظرفی است که در درون خود جنایات دیگری را جای داده است، لذا ضرورت دارد تا محتویات این ظرف به طور جداگانه بررسی شود.

37. Bryan A. Garner (Ed.), *Black's Law Dictionary*, 5th Print, 2000, p. 344.

همچنین، نک: بهمن آقایی، *فرهنگ حقوقی بهمن*، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲ و ال. بی. کرزون، *فرهنگ حقوق (انگلیسی-فارسی)*، ویرایش ششم، مترجمان: قدیر گلکاریان، ناصر جوادخانی، هادی میرواحدی و محمد جواد، تهران، نشر دانشیار، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴.

38. Limaj *et al.* Trial Judgement, para. 510.

۳۹. به موجب این بند «در ارتباط با هر یک از جنایات مذکور در موارد ۲ تا ۵ اساسنامه حاضر، هر کس مرتکب طراحی، تحریک، صدور دستور یا مباشرت شده یا به هر شکل دیگری در طراحی، فراهم ساختن مقدمات یا اجرای جنایت مورد نظر معاونت نموده باشد، شخصاً مسؤول جنایت مزبور خواهد بود».

40. Blagojevic and Jokic, Trial Judgement, para. 695.

41. Kvocka *et al.* Trial Judgement, para. 307.

الف) آزار و اذیت

بند (ح) ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی آزار و اذیت را به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت قلمداد کرده است. در این مقررہ تعریفی از جنایت مزبور به عمل نیامده است. رویه دادگاه یوگسلاوی باعث شد تا تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تعریف جنایت آزار و اذیت در شق (ز) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان به رویه این دادگاه متوسل شوند.

عنصر مادی این جنایت، آزار و اذیت کردن یک گروه یا اجتماع متمایز از دیگران است. برای نمونه قوانین تبعیض‌آمیزی که بر خلاف منافع گروه‌های مشخصی وضع می‌شوند، اما این تعریف شامل آن دسته از اعمالی هم می‌گردد که افرادی را به عنوان نمایندگان یک گروه هدف در بر می‌گیرد. نوع گروه یا اجتماع در انگیزه‌های رفتار مرتکبان نقش دارد. در جنایت آزار و اذیت، از ابتدای امر تعیین هویت گروه مورد هدف از سوی مرتکبان جنایات علیه بشریت، جنبه تعیین‌کننده دارد. بر اساس رویه دادگاه یوگسلاوی، «جنایت آزار و اذیت شامل محروم ساختن عمدی و شدید یک گروه یا جمعیت از حقوق بنیادین خود به دلیل تعلق آن‌ها به یک گروه نژادی، قومی، مذهبی، ملی یا سیاسی می‌باشد، بر خلاف حقوق بین‌الملل است».^{۴۲} دادگاه یوگسلاوی از جمله این حقوق به طور مشخص بر حق حیات، تعرض ناپذیری جسمی و روحی و حق آزادی شخصی تأکید می‌نماید. از نظر دادگاه، اقدامات ایذایی ممکن است اشکال گوناگونی داشته باشد. اعمالی که حقوق بنیادین بشر را نقض می‌کند باید مشخص گردد که آیا از ماهیت جسمانی، اقتصادی یا حقوقی برخوردار هستند.^{۴۳} همچنین بر اساس تصمیم دادگاه یوگسلاوی، سخنان تفرآمیز ممکن است آزار و اذیت محسوب شود.^{۴۴}

مسئله مهم‌تر این است که بنا بر رویه قضایی نقض حق مالکیت افراد نیز می‌تواند آزار و اذیت قلمداد شود. دادگاه یوگسلاوی در بندهای ۶۳۰ و ۶۳۱ رأی خود در پرونده Kupreskic، تخریب گسترده خانه‌های مسلمانان را نقض جدی حقوق بنیادین آن‌ها دانست و این عمل را به دلیل اینکه بر اساس مبانی تبعیض‌آمیز انجام می‌شد، اذیت و آزار دانست. بنابراین باید بر مبنای نوع و شدت حمله اموال، قائل به تمایز بود. از این‌رو، تخریب بخشی از اموال، آزار و اذیت محسوب نمی‌شود و دلیل آن وجود قصد تبعیض‌آمیز است. آزار و اذیت هنگامی مفروض است که حملات علیه اموال به اندازه کافی جهت تخریب

42. Naletilic and Martinovic, Trial Judgement, para. 636.

43. Blaskic Trial Judgement, para. 220.

44. Krnojelac Trial Judgement, para. 431.

زیست اقتصادی بخشی از یک جمعیت، شدید باشد.^{۴۵}

از حیث ذهنی، آزار و اذیت مستلزم آن است که عنصر مادی این جنایت با قصد و علم ارتکاب یابد.^{۴۶} این جنایت باید بر مبنای دلایل تبعیض آمیز، به ویژه دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسیت صورت بگیرد. از این رو، آزار و اذیت با دیگر انواع جنایات علیه بشریت فرق دارد. مرتکب یا باید به طور مشخص به فردی به دلیل عضویت او در یک گروه یا جمعیت خاص حمله کند یا باید گروه یا جمعیت مزبور را مورد حمله قرار دهد. بنابراین، همواره قصد تبعیض آمیز از سوی مرتکب علیه گروه یا جمعیت یا موجودیتی خاص قابل تصور باشد. کافی است که مرتکب گروه یا افراد وابسته به آن را صرفاً بر مبنای یکی از دلایل فهرست شده، مورد هدف و حمله قرار دهد.^{۴۷}

جنایت آزار و اذیت علاوه بر قصد مجرمانه کیفری لازم، مستلزم رکن معنوی خاص جنایات علیه بشریت می باشد.^{۴۸} «مرتکب باید عالمأ در یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی» با قصد اعمال تبعیض بر اساس دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی مشارکت نماید.^{۴۹}

ب) نابودسازی

بند (ب) ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی «نابودسازی» را از جمله مصادیق جنایات علیه بشریت می داند. شق (ب) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری،^{۵۰} از جمله، مبتنی بر همین بند (ب) ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی می باشد. از نظر دادگاه یوگسلاوی، «برای اثبات جنایت نابودسازی، افزون بر شرایط عمومی جنایات علیه بشریت، لازم است دلیلی در دست باشد که نشان دهد جمعیت معینی هدف قرار گرفته است و اعضای آن به قتل رسیده اند و یا شرایطی بر آنان تحمیل شده که هدف از آن، نابودی شمار قابل ملاحظه ای از جمعیت است».^{۵۱} شعبه در ادامه بیان می دارد که طبق حکم تجدیدنظر در پرونده Tadic «... تبعیض علیه قربانیان به دلایل سیاسی، اجتماعی یا مذهبی از عناصر لازمه این جنایت نیست».^{۵۲} از نظر دادگاه یوگسلاوی این رفتار باید موجب مرگ بخش

45. Vasilijevic Trial Judgement, para. 245 and Stakic Trial Judgement, para. 733.

۴۶. ماده ۳۰ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری

47. Kupreskic *et al.* Trial Judgement, para. 580.

48. See Blaškić Trial Judgement, para. 244.

49. *Ibid.*, para. 244.

۵۰. نک: آنتونیو کاسسه، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی،

تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۸۹.

51. Krstic Trial Judgement, para. 503.

52. *Ibid.*, para. 499.

قابل توجهی از جمعیت از حیث عددی شود.^{۵۳} دادگاه یوگسلاوی ضمن اینکه شروط حقوق عرفی جنایت نابودی را سخت‌تر کرده از این دیدگاه دفاع می‌کند که خود مرتکب را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، باید مسؤول مرگ شمار زیادی از مردم دانست.^{۵۴}

ج) اخراج یا انتقال اجباری

بند (د) ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی اخراج را از مصادیق جنایت علیه بشریت می‌داند. انتقال اجباری جزء مصادیق این جنایت نیست. اخراج به معنای انتقال یک یا چند نفر از سرزمین یک کشور به سرزمین کشور دیگر است. در مقابل، انتقال اجباری به معنای انتقال یک یا چند نفر از نقطه‌ای به نقطه دیگر در سرزمین یک کشور است. «انتقال این اشخاص باید از طریق اخراج یا هر اقدام اجباری دیگر صورت‌پذیرد. از این رو، جابه‌جایی جمعیت بر اساس معاهدات دو جانبه با شرط «انتخاب» در این قلمرو جای نمی‌گیرند».^{۵۵} در هر حال، انتقال یا اخراج افراد باید طبق حقوق بین‌الملل منع شده باشد. به همین دلیل، اخراج و هر اقدام قاهرانه دیگری با هدف حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا بهداشت عمومی، مشمول تعریف این جنایت قرار نمی‌گیرند. تخلیه کلی یا جزئی یک منطقه در هنگام درگیری مسلحانه را هم می‌توان به منظور حمایت از غیرنظامیان یا به جهت دلایل نظامی الزام‌آور دانست.^{۵۶} در هر حال، جمعیت غیرنظامی باید فوراً پس از توقف مخاصمات به سرزمین محل سکونت خود بازگردد. در چنین مواردی تا حد امکان باید تضمین شود که جمعیت غیرنظامی، از حیث اقامت، بهداشت، امنیت و خوراک در محل انتقالی شرایط مناسبی خواهند داشت.^{۵۷} از نظر دادگاه یوگسلاوی انتقال اجباری اشخاص در قلمرو همان کشور، اخراج تلقی نمی‌شود اما می‌تواند شکل دیگری از یک رفتار غیرانسانی با ماهیتی مشابه باشد.^{۵۸}

د) اعمال غیرانسانی

از دیگر مواردی که بند (ط) ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت ذکر می‌کند، مقوله کلی با عنوان «دیگر اعمال غیرانسانی» است. مهم‌ترین جنایات زیر مجموعه «دیگر اعمال غیرانسانی» را که در رویه دادگاه توسعه یافته می‌توان به شرح زیر بیان کرد: برخورد غیرانسانی و رفتار بی‌رحمانه، ایراد عمدی رنج زیاد یا جراحت

53. Krstic Trial Judgement, para. 490; Vasiljevi Trial Judgement, para. 216.

54. Krstic Trial Judgement, para. 503.

55. Krstic Trial Judgement, para. 521.

56. *Ibid*, p. 528.

57. *Ibid*, p. 524.

58. Stakic Trial Judgement, para. 673.

شدید به بدن یا سلامتی، بازداشت تحت شرایط غیرانسانی و بازداشت تحت شرایط غیرقانونی.^{۵۹}

۵-۴. جنایات جنگی: (قتل عمد، اقدامات خشونت‌بار به منظور گسترش وحشت (ترور) در میان جمعیت غیرنظامی، حمله غیرقانونی به غیرنظامیان، گروگانگیری)

بین آوریل ۱۹۹۲ و نوامبر ۱۹۹۵، کارادزیچ به همراه دیگر اعضای یک فعالیت مشترک کیفری، یک استراتژی نظامی را طراحی و اجرا کردند که از طریق بمباران برای کشتن، مجروح کردن و ارباب ساکنان غیرنظامی سارایوو استفاده کردند. در این میان هزاران غیرنظامی زن و مرد در سنین مختلف، از جمله کودک و افراد سالخورده، کشته شدند.

بین ۲۶ مه ۱۹۹۵ و ۱۹ ژوئن ۱۹۹۵، نیروهای صرب بوسنی بیش از ۲۰۰ مأمور حفظ صلح و ناظر نظامی سازمان ملل در محل‌های مختلف از جمله سارایوو، بانجا لوکا و گرازده بازداشت کردند و آن‌ها در مکان‌های مختلفی در جمهوری صربسکا نگهداری می‌کردند. طرف‌های ثالث، از جمله فرماندهان ناتو و سازمان ملل تهدید شدند، که اگر حملات بعدی ناتو به اهداف نظامی صرب‌های بوسنی منجر به خسارت، فوت یا بازداشت مستمر بازداشت شده‌ها بشود. برخی از بازداشتی‌ها کشته شدند و با برخی دیگر نیز بدرفتاری می‌شد.

الف) شرایط کلی تحقق جنایات جنگی

بر اساس ماده ۳ اساسنامه، دادگاه صلاحیت دارد تا به هرگونه جنایات شدید علیه حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مشمول مواد ۲، ۴ یا ۵ نیستند، رسیدگی نماید. برای آنکه بتوان جنایتی را موضوع ماده ۳ دانست دو شرط مقدماتی باید وجود داشته باشد. نخست، در زمان ارتکاب جنایات ادعایی، یک مخاصمه مسلحانه، اعم از ملی یا بین‌المللی، بایستی وجود می‌داشته است. دوم، بین مخاصمه مسلحانه و جنایت ادعایی، باید یک رابطه نزدیک وجود داشته باشد، به این معنا که اعمال متهم باید ارتباط تنگاتنگی با مخاصمات داشته باشند.^{۶۱}

۵۹. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: هیبت‌الله نژندی‌منش، «نقش دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری»، رساله دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸، صفحات ۱۷۹ به بعد.

۶۰. ماده ۲ نقض فاحش مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را موجود مسؤولیت کیفری می‌داند.

61. Naletilic and Martinovic Trial Judgement, para. 225.

ب) حمله غیرقانونی به غیرنظامیان به عنوان نقض قوانین و عرف‌های جنگی

شعبه بدوی در پرونده Strugar به رویه قضایی پیشین خود در پرونده Galic^{۶۲} پرداخت و نظر داد که شرط عنصر معنوی برای حملات علیه غیرنظامیان در صورتی وجود دارد که اقدامات خشونت بار «عمداً علیه غیرنظامیان، یعنی خواه عمداً علیه آن‌ها یا خواه از طریق بی‌مبالاتی، صورت گرفته باشد».^{۶۳} این تعریف مفهوم قصد «مستقیم» و «غیرمستقیم» را در بر می‌گیرد.^{۶۴}

ج) جنایت ترور

جنایت ترور نخستین بار توسط دادگاه در پرونده Galij مورد رسیدگی قرار گرفت.^{۶۵} پس از آن در پرونده Dragor Milosovic دادگاه به طور مفصل به بررسی این جنایت پرداخت. از جمله اتهامات Dragor Milosovic نقض ماده ۳ اساسنامه، ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۱۳ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های مزبور بود.^{۶۶} به موجب بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول و بند ۲ ماده ۱۳ پروتکل دوم: «جمعیت غیرنظامی با این وصف، و همچنین افراد غیرنظامی، نباید مورد حمله قرار گیرند. اقدامات یا تهدیدات خشونت‌آمیز که هدف اصلی آن‌ها گسترش ترور [یعنی وحشت] در میان جمعیت غیرنظامی است، ممنوع می‌باشد».

«جمله نخست این ماده منع کلی حمله علیه غیرنظامیان را ممنوع می‌سازد، درحالی‌که جمله دوم شکل خاصی از حملات علیه غیرنظامیان را منع می‌نماید».^{۶۷} بنابراین، جنایت ترور عبارت است از اقدامات یا تهدیدات خشونت‌آمیز که هدف اصلی آن گسترش وحشت در میان جمعیت غیرنظامی است. در پرونده Galic پذیرفته شد که حقوق بین‌الملل عرفی جنایت ترور را هم منع و هم جرم‌انگاری کرد. این جنایت به عنوان نقض قوانین یا عرف‌های جنگی موضوع ماده ۳ اساسنامه دادگاه است و در نتیجه دادگاه صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.^{۶۸}

شعبه بدوی در پرونده Dragor Milosovic از تعریف ارائه شده توسط دادستان حمایت کرد که بنا بر آن:^{۶۹}

62. Galic Appeals Judgement, para. 140.

63. Strugar Appeals Judgement, *op. cit.*, para. 270.

64. *Ibid.*

65. Galic Trial Judgement and Appeal Judgement.

66. D. Milošević Trial Judgement, para. 873.

67. Galic Appeal Judgement, para. 87 and Galic Trial Judgement, para. 98.

68. Galic Appeal Judgement, paras. 86–87, 90, 98; Galic Trial Judgement, paras. 86–138.

69. *Ibid.*, para. 886.

هیچ کسی نمی‌دانست که آیا ممکن است قربانی بعدی باشد یا نه. هر لحظه زندگی آن‌ها پر از ترس و نگرانی بود. افراد ۱۵ ماه [...] مطلقاً هیچ حس امنیتی در هیچ کجای شهر نداشتند. ترور [...] عبارت است از محرومیت عمدی از حس امنیت. همین ترس اولیه بوده است که افراد احساس می‌کردند وقتی کسی را در جلوی خود مسلح می‌دیدند و مضطرب می‌شدند وقتی که آن‌ها تلاش می‌کردند به قربانیان کمک نمایند، در هر حال منتظر شلیک بعدی بودند ...^{۷۰}

و تنها [...] این ترسی نیست که از مجاورت با نبرد ایجاد می‌شود. این ترسی است که منجر به تضعیف، تخریب و امحای هرگونه حس امنیت از مردمی شد که کاری [...] با نبرد و مبارزه نداشتند.^{۷۱}

جنایت ترور، افزون بر داشتن عناصر مشترک با جنایات موضوع ماده ۳ اساسنامه دادگاه، از عناصر خاصی برخوردار است. این عناصر عبارتند از:^{۷۲}

الف) اقدامات یا تهدیدات خشونت‌آمیز صورت گرفته علیه جمعیت غیرنظامی یا غیرنظامیان به صورت انفرادی که در مخاصمات شرکت نمی‌کنند سبب فوت یا ایراد صدمه شدید به جسم یا سلامتی این جمعیت شود؛

ب) مرتکب عمدا جمعیت غیرنظامی یا غیرنظامیان فردی را که در مخاصمات شرکت نمی‌کنند مورد اقدامات خشونت‌آمیز قرار دهد.

ج) این جنایت با هدف اصلی گسترش وحشت و ترور در میان جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته باشد.

۶- مصونیت کیفری مقامات

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد پرونده متهمانی همچون کارادزیچ، این است که در حالی تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرند که هنوز از مصونیت برخوردار هستند. در اینجا دو دیدگاه مطرح می‌شود؛ برخی بر این باورند که مصونیت مقام دولتی مانع از تعقیب وی توسط دیوان می‌شود. آن‌ها استدلال می‌کنند که مصونیت حق دولت است و تنها دولت می‌تواند آن را از فرد سلب کند. گروه دیگر کسانی هستند که معتقدند امروزه این قاعده عرفی و معاهده‌ای وجود دارد که مصونیت - حتی مصونیت رئیس‌جمهور در حال خدمت - نزد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مانع رسیدگی نیست. بدون تردید دیدگاه دوم، با توجه

70. *Ibid*, para. 885.

71. *Ibid*.

72. Galić Trial Judgement, para. 133; Galić Appeal Judgement, paras. 100, 101.

به تحولات حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری، پذیرفتنی‌تر است. در حمایت از این دیدگاه می‌توان به شرح ذیل دلایلی را ارائه کرد:

اول: مصونیت ریشه در برابری کشورها دارد. اثر آن این است که محاکم یک کشور نمی‌توانند در مورد اعمال دیگر کشورها به قضاوت بپردازند. بنابراین در مورد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری - که ارکان یک کشور خاصی نیستند، بلکه ارکان جامعه بین‌المللی هستند - مصونیت قابل استناد نیست. این اصل که مصونیت مانع تعقیب نزد مراجع بین‌المللی کیفری نیست، از ریشه قدیمی برخوردار است. این اصل در مواد ۲۲۷ تا ۲۲۹ معاهده صلح و رسای ۱۹۱۹، ماده ۷ منشور دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳)، بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا (۱۹۹۴) و بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه روم (۱۹۹۸) مورد پذیرش قرار گرفته است.

دوم: به موجب بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «مصونیت یا قواعد شکل ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌شوند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال کند».

سوم: این ایراد مطرح می‌شود که قاعده مصونیت سران دولت یک قاعده عرفی است و مثلاً با یک قطعنامه شورای امنیت نمی‌توان آن را نقض کرد. باید گفت امروزه منع نسل‌زدایی و ممنوعیت شکنجه به «قواعد آمره بین‌المللی» تبدیل شده‌اند. بنابراین، در صورت تعارض بین این قواعد و قواعد معمولی دیگر (حتی عرفی عام) برتری با قواعد آمره است.

چهارم: فلسفه مصونیت‌ها به طور کلی این است که دارندگان آن بهتر بتوانند اشتغالات خود را انجام دهد. انجام جنایت نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت با این فلسفه مغایرت دارد.

پنجم: اگر بگوئیم مصونیت صرفاً بعد از کناره‌گیری فرد از سمت خود مانع تعقیب می‌شود، نقض غرض قواعد کیفری و تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری است و با تلاش جامعه بین‌المللی برای مبارزه با بی‌کیفری در تضاد است، چرا که می‌خواهیم فرد را به خاطر ارتکاب شدیدترین جنایات مورد اهتمام جامعه بین‌المللی مجازات کنیم، درحالی‌که مصونیت وی ما را از این هدف مهم باز می‌دارد. افزون بر آن، چگونه می‌توان شاهد نسل‌زدایی و دیگر جنایات فجیع بود، اما هیچ اقدامی نکرد؟ همچنین این امکان وجود دارد

که رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر متهم در نظام داخلی تلاش‌هایی را، مثلاً در جهت مادام‌العمر کردن سمت خود به عمل آورد و هرگز، تا زنده است، نتوان او را محاکمه کرد و همچنان به ارتکاب جنایات خود ادامه دهد.

ششم: در خصوص حکم جلب دیوان بین‌المللی کیفری علیه آقای عمر البشیر کشورهایی که به درخواست دادستان واکنش منفی نشان داده‌اند، هیچ‌کدام به مسأله مصونیت عمر البشیر اشاره نکرده‌اند بنابراین به نظر می‌رسد مسأله برای کشورها حل شده است.

هفتم: مهم‌تر از همه اینکه هدف هر قاعده حقوقی و هر نظام حکومتی حمایت از فرد انسانی است. به عبارت دیگر، آزادی عمل کشور باید تا جایی باشد که به کرامت انسانی لطمه وارد نشود. آنجا که اعمال ارتكابی کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌سازند، به هیچ وجه (حتی با استناد به مصونیت) قابل اغماض نیستند.

۷- همکاری کشورها با دادگاه یوگسلاوی

طبق قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت «همه کشورها باید [با دادگاه و ارکان آن] همکاری کامل داشته باشند» و هرگونه اقدام لازم را طبق قوانین داخلی خود برای اجرای این مقررات و «اجرای درخواست کمک یا قراردادی که شعب بدوی صادر می‌کنند، اتخاذ نمایند».^{۷۳} بنابراین، کشورها از نظر حقوقی ملزم به همکاری با دادگاه در خصوص دستگیری، تحقیق و بازرسی، ارائه مدارک و اسناد مرتبط، تسلیم متهمان یا انتقال اشخاص به دادگاه می‌باشند. پرونده کارادزیچ توانست به طور مستقیم کشورمان را با دادگاه یوگسلاوی مرتبط سازد. متهم درخواست‌هایی را نزد دادگاه به ثبت رساند و از شعبه بدوی درخواست کرد تا قرار الزام‌آوری را علیه برخی از کشورها (از جمله جمهوری اسلامی ایران)، به موجب ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه و همچنین ماده ۵۴ مکرر آیین دادرسی کیفری دادگاه، صادر نماید و از آن‌ها بخواهد تا اسنادی را که به ادعای وی با پرونده‌اش مرتبط و لازمه آن هستند، ارائه نمایند. جمهوری اسلامی ایران این مدارک را بی‌ربط با پرونده متهم و غیرضروری دانست.^{۷۴}

مدارک مورد درخواست وی از جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:^{۷۵}

۷۳. ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه

۷۴. برای مطالعه بیشتر رک: مهین سبحانی، ایران و پرونده کارادزیچ در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره پنجم، ۱۳۸۸، صص ۳۰۳-۲۹۳.

75. Decision of 9 June 2010, Trial Chamber, para. 1.

الف) همه مکاتبات بین دولت ایران و دولت‌های امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کرواسی یا بوسنی در رابطه با عرضه تسلیحات به مقصد بوسنی از اول آوریل ۱۹۹۲ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵ که نشان می‌دهد این دولت‌ها نسبت به عملکرد ایران مبنی بر عرضه تسلیحات به بوسنی علم داشته و آن را تأیید کرده‌اند.

ب) بارنامه‌های همه سلاح‌هایی که از اول آوریل ۱۹۹۲ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵ به مقصد کرواسی حمل شدند، از جمله محتویات هواپیمای ایرانی که در ۴ سپتامبر ۱۹۹۲، اول نوامبر ۱۹۹۲ و ۴ مه ۱۹۹۴ در فرودگاه زاگرب فرود آمد.

ج) سوابق، یادداشت‌ها، گزارش‌ها یا صورتجلسات تمام نشست‌های بین دولت ایران و دولت بوسنی، از جمله نشست‌های زیر در تهران:

۱- جلسه با علی عزت بگویچ (۲۹ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۹۲)؛

۲- جلسه با علی عزت بگویچ (آوریل ۱۹۹۳)؛

۳- جلسه با علی عزت بگویچ (۱۴ سپتامبر ۱۹۹۳)؛

۴- جلسه با نخست وزیر کرواسی و معاون نخست وزیر بوسنی (۲۹ آوریل و ۲ مه

۱۹۹۴).

از نظر شعبه، ماده ۲۹ اساسنامه، کشورها را متعهد می‌سازد تا «در تحقیقات و تعقیب افراد متهم به ارتکاب موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه با دادگاه همکاری نمایند». این تعهد شامل تعهد خاص به «اجرای بدون تأخیر نامعقول هرگونه درخواست کمک یا قرار صادره توسط شعب بدوی ... برای ابلاغ اسناد» می‌شود. همچنین ماده ۵۴ مکرر آیین دادرسی به شعب بدوی این امکان را می‌دهد تا برای ارائه اسناد یا اطلاعات قراری را علیه یک کشور صادر نمایند. طرفی که صدور چنین قراری به موجب ماده ۵۴ را درخواست می‌نماید باید قبل از صدور قرار شرایط زیر را داشته باشد:^{۷۶}

الف) درخواست ارائه اسناد به موجب ماده ۵۴ مکرر آیین دادرسی باید اسناد مشخصی را بیان کند نه اینکه به کلی گویی کفایت کند؛

ب) اسناد درخواستی باید با موضوع مورد اختلاف مرتبط باشند و برای تصمیم‌گیری عادلانه در خصوص آن موضوع لازم و ضروری باشند، قبل از اینکه شعبه بدوی بتواند قراری را برای ارائه اسناد مزبور صادر نماید؛

ج) متقاضی باید اثبات نماید که تلاش معقولی را برای متقاعد کردن کشور به منظور ارائه اطلاعات درخواستی به طور داوطلبانه به عمل آورده است؛

د) این درخواست نباید به طور غیرمعقول تکلیفی را بر کشور بار نماید. شعبه ضمن بررسی موارد چهارگانه فوق (بندهای ۱۲ تا ۱۶) یادآور می‌شود که قاچاق اسلحه و همچنین دست داشتن پرسنل ملل متحد در ادعای قاچاق تسلیحات با پرونده متهم مرتبط است و هر سند مرتبط با این موضوعات برای اتخاذ یک تصمیم عادلانه در مورد این پرونده لازم است. به علاوه، شعبه متقاعد نشده است که متهم به طور دقیق شرط ارتباط با این موضوع را تبیین نکرده است.

همچنین شعبه بیان می‌دارد که متهم به طور خصوصی با ایران تماس گرفته است اما این کشور از ارائه هرگونه مدرک مورد درخواست وی خودداری ورزیده است. به علاوه، ایران فرصت کافی برای جست‌وجو و ارائه اسناد درخواستی داشته است. بنابراین شعبه متقاعد می‌شود که متهم تلاش معقولی را برای متقاعد کردن ایران به منظور ارائه اطلاعات درخواستی به طور داوطلبانه انجام داده است. همچنین از نظر شعبه متهم تلاش معقولی را برای اثبات وجود اسناد درخواستی انجام داده است. با وجود این شعبه قانع نشده است که اسناد مربوط به مکاتبات بین دولت ایران و دولت‌های دیگر به قدر کافی خاص باشد که بتواند دوره مورد بحث را شامل شود. همچنین شعبه اسناد دسته دوم (راجع به بارنامه کشتی‌ها) را بسیار کلی تشخیص می‌دهد. در مورد اسناد دسته سوم نیز متهم شعبه را متقاعد ساخت که نتوانست اسناد درخواستی را تحصیل نماید. بنابراین، شعبه درخواست متهم را رد کرد.

به هر حال در صورتی که دادگاه تصمیمی را صادر کند و از کشورها درخواست همکاری نماید، در صورتی که کشورها با دادگاه یوگسلاوی همکاری ننمایند، دادگاه موضوع را در تصمیمی منعکس می‌کند و شورای امنیت را در جریان قرار می‌دهد. در صورتی که کشوری نسبت به دستگیری یا انتقال فرد تحت تعقیب یا ارجاع پرونده فرد خودداری نماید، دادگاه یوگسلاوی هیچ ابزار مستقیمی برای تضمین اجرای درخواست خود ندارد. تنها ابزاری که آیین دادرسی (مثلاً ماده ۷ مکرر آیین دادرسی) در موارد عدم تبعیت دولت‌ها پیش‌بینی کرده این است که دادگاه یوگسلاوی موضوع را به شورای امنیت گزارش دهد. دادگاه به صورت دوره‌ای چنین گزارش‌هایی را صادر کرده است. از جمله می‌توان به گزارش مربوط به قصور مستمر جمهوری فدرال یوگسلاوی در دستگیری و انتقال سه فرد تحت تعقیب اشاره کرد که در واقعه بیمارستان Vukovar دست داشتند و در صربستان ساکن بودند.^{۷۷}

77. Letter Dated 8 September 1998 from the President of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the

۸- نتیجه‌گیری

رادوان کارادزیچ به عنوان یک مقام دولتی، زمانی که سرمست قدرت بود، شاید کمتر تصور می‌کرد که روزی باید به خاطر اقدامات خود در نزد یک دادگاه پاسخگو باشد. وقایع ارتكابی در حوزه بالکان در دهه ۱۹۹۰ چنان وحشیانه و تکان‌دهنده بود که جامعه بین‌المللی را وادار کرد تا از خود واکنش نشان دهد. در این راستا، شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه‌ای به موجب فصل هفتم منشور، دادگاه یوگسلاوی را برای محاکمه افراد مسؤول موارد نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تشکیل داد. دادگاه یوگسلاوی - که سردهسته نسل دوم دادگاه‌های بین‌المللی کیفری است - هم از حیث تأسیس و هم از حیث رویه و عملکردی که از خود بر جای گذاشت، منشأ تحولاتی در حقوق بین‌الملل کیفری شد. بدون تردید، این دادگاه بیشتر از آنکه عاملی برای اجرای عدالت باشد، ابزاری برای حفظ صلح بوده است. شورای امنیت این دادگاه را بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تأسیس کرد و مبنای حقوقی دقیق آن را می‌توان ماده ۴۱ منشور دانست. به طور مسلم با تشکیل این دادگاه حقوق بین‌الملل کیفری تکامل یافته است. از این طریق، مبارزه با بی‌کیفری سرعت و سامان گرفته است. بدون تردید بی‌کیفری باعث گستاخی و جسارت بیشتر مقامات در نقض قانون می‌شود. تجربه نشان داده است در مواردی که سازمان ملل متحد یا کشورهای بزرگ در خصوص جنایتکاران معامله عفو یا تبعید را می‌پذیرند، این خطر وجود دارد که رهبران در دیگر قسمت‌های دنیا تشویق به مبادرت به نقض‌های فاحش شوند. برای نمونه، تاریخ بیانگر آن است که عفو بین‌المللی اعطا شده به مقامات ترک مسؤول قتل عام بیش از یک میلیون ارمنی در خلال جنگ جهانی اول، آدولف هیتلر را تشویق کرد تا ۲۰ سال بعد به این نتیجه برسد که آلمان می‌تواند سیاست‌های نسل‌زدایی خود را بدون مجازات و کیفر تعقیب نماید. هیتلر در یکی از نطق‌های خود در ۱۹۳۹ بیان داشت «امروز چه کسی صحبت از انهدام ارمنیان به میان می‌آورد؟» ریچارد گلدستون، دادستان سابق دادگاه یوگسلاوی، به این نتیجه رسیده است که «قصور جامعه بین‌المللی در تعقیب افرادی چون پول پوت، ایدی امین، صدام حسین و محمد ایدید، صرب‌ها را تشویق کرد تا سیاست خود را مبنی بر پاک‌سازی قومی در یوگسلاوی سابق انجام دهند با این امید که آن‌ها مسؤول جنایات بین‌المللی خود نخواهند بود». در واقع، هنگامی که جامعه بین‌المللی، به جای تعقیب، محاکمه و مجازات، به مرتکبان عفو می‌دهد یا آن‌ها را تبعید می‌نماید، به دیگر رژیم‌های شرور این چراغ سبز را

نشان می‌دهد که آن‌ها با مبادرت به جنایات خود، هیچ چیزی را از دست نخواهند داد. اگر هم مشکلی به وجود آید آن‌ها همواره می‌توانند با توافق در خصوص صلح از مسؤلیت خود در قبال جنایات شانه خالی کنند. از این‌رو، رسیدگی به پرونده کارادزیچ همچنان ما را به برقراری حاکمیت قانون در جامعه بین‌المللی و به تبع آن در جوامع داخلی امیدوارتر می‌سازد. سرنوشت افرادی مثل کارادزیچ همواره باید به سان یک آئینه عبرت در مقابل دیدگان حکام و مقامات عالی‌رتبه باشد و هر آئینه احتمال دهند که ممکن است موضوع آراء بعدی محاکم کیفری و یا موضوع نوشته‌های بعدی باشند.

فهرست منابع

- آقای، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- سیحانی، مهین، ایران و پرونده کارادزیچ در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره پنجم، ۱۳۸۸.
- کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- کرزون، ال.بی، فرهنگ حقوق (انگلیسی-فارسی)، ویرایش ششم، مترجمان: قدیر گلکاریان، ناصر جوادخانی، هادی میرواحدی و محمد جوادی، تهران، نشر دانشیار، ۱۳۸۴.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله، «حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه: با تأکید بر قضیه یوگسلاوی سابق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله، «نقش دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری»، رساله دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
- Bethlehem, D., M. Weller, *The Yugoslavia Crisis in International Law: General Issues*, Part I, Vol. 5, Cambridge International Documents Series, Grotius / Cambridge University Press, 1997.
- Blagojevic and Jokic, Trial Judgement.
- Blaškić Trial Judgement.
- D. Milošević Trial Judgement.
- Decision of 9 June 2010, Trial Chamber.
- Galić Appeal Judgement.
- Galic Trial Judgement.
- Garner, Bryan A. (Ed.), *Black's Law Dictionary*, 5th Print, 2000.
- <http://www.icty.org/sections/AbouttheICTY> (las visited on 25/10/2009)
- Interim Report of the Commission of Experts Established Pursuant to Security Council Resolution 780 (1992), UN Doc. S/25274, at 20, para. 74 (Feb. 10, 1993).
- Jelusic Appeal Judgement.
- Jelusic Trial Judgement.
- Jones, John R.W.D., *The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and Rwanda*, Second Edition, Transnational Publishers, 2000.
- Krnojelac Trial Judgement.
- Krstic Trial Judgement.
- Kupreskic et al. Trial Judgement.

- Kvočka *et al.* Trial Judgement.
- Langer, William L., *European Alliances & Alignments 1871-1890*, Second Edition (New York, Vintage Books, 1950).
- Letter Dated 8 September 1998 from the President of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia to the President of the Security Council, UN Doc. S/1998/839.
- Limaj *et al.* Trial Judgement.
- May, Arthur J., *The Habsburg Monarchy 1867-1914*, (New York: W.W. Norton & Co., 1968).
- Naletilic and Martinoic Trial Judgement.
- Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, A/64/205-S/2009/394, 31 July 2009.
- Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, 17 August 2005, A/60/267-S/2005/532.
- Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, 21 August 2006, A/61/271-S/2006/666.
- Rupp, George H., *A Wavering Friendship: Russia and Austria 1876-1878* (Cambridge, Harvard University Press, 1941).
- S/25704, 3 May 1993.
- SC Res. 764, 13 July 1992, S/RES/764.
- SC Res. 771, 13 August 1992, S/RES/771.
- SC Res. 780, 6 October 1992, S/RES 780.
- Silber, Laura, and Allan Little, *The Death of Yugoslavia* (London: Penguin Books, 1995), Chapter 7.
- Stakic Trial Judgement.
- Stojanovic, Mihailo D., *The Great Powers and the Balkans, 1875-1878* (New York: Cambridge University Press, 1939).
- Taylor, A.J.P., *The Struggle for mastery in Europe 1848-1918* (New York, Oxford University Press, 1971).
- The New York Times*, July 16, p. A11.
- The New York Times*, July 8, 1991, p. A1.
- The Prosecutor *v.* Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T
- Trifunovska, S. (ed.), *Yugoslavia Through Documents: From its Creation to its Dissolution*, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague, 1994.
- Vasilijevic Trial Judgement.
- Woodward, Susan, *Balkan Tragedy: Chaos and Dissolution after the Cold War* (Washington: The Brookings Institution, 1995).

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study